

# محاكمه کارگران یا محاکمه هر اعتراض طبقاتی؟



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [contact@internationalistvoice.org](mailto:contact@internationalistvoice.org)

Homepage: [www.internationalistvoice.org](http://www.internationalistvoice.org)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

«شعار نان کار آزادی، شعاری کمونیستی است» قاضی مقبسه

بدنبال شکست مبارزات کارگری پر شکوه در پائیز ۱۳۹۷ دوران انتقام گیری بورژوازی شروع شد. بورژوازی میبایست انتقام ۲۸ روز نبرد طبقاتی را بگیرد، ابهت بورژوازی شکسته شده بود. از کارگران و حامیان دستگیر شده آنها در زیر شکنجه مستند ساخت (وادار به اعتراف کردن)، فردای آن روز در جلوی مجلس بورژوا، شعار دادند، "مستند، شکنجه دیگر اثر ندارد!". طرح «شوراهای اسلامی» را در شرکت هفت تپه براه انداخت که عملاً آن نیز شکست خورد، به هر چیزی چنگ انداخت تا دوباره قدرت خود را نشان دهد.

زندانیان اعتراضات کارگری و حامیان آنها پس از آزادی موقت داستان زندگی خود را بیان کردند و این برای بورژوازی گران تمام شد. مجدداً دستگیرشان کردند. نیروهای امنیتی خانواده های فعالین کارگری را نیز مورد آزار و اذیت قرار دادند. بارها خانواده های فعالین کارگری هفت تپه از طرف وزارت اطلاعات احضار و بازجویی شدند. در درون زندانها نیز زندانیان سیاسی، از جمله فعالین کارگری را در کنار جنایتکاران قرار دادند تا موجب آزار و اذیت آنان قرار گیرد و در همین رابطه چندین زندانی دستگیر شده اول ماه مه مورد آزار و اذیت جنایتکاران قرار گرفتند، در راستای چنین سیاست کثیفی یک زندانی سیاسی نیز بنام «علیرضا شیر محمدی» توسط مجرمان جنائی به قتل رسید.

بورژوازی اسلامی تجربه زیادی در حاکمیت و زجر کش کردن زندانیان سیاسی دارد. در چنین شرایطی بود که امیر حسین محمدی فرد و سپیده قلیان در اعتراض به شرایط غیر انسانی خود دست به اعتصاب غذا زدند تا از حرمت انسانی خود و دیگر همبندان دفاع کنند. اگر چه اعتصاب غذای آنها در جامعه انعکاس یافت اما این مسئله سلامتی آنها را نیز بشدت به خطر انداخت. سپیده قلیان دلیل انتخاب اعتصاب غذا بعنوان ابزار مبارزاتی را چنین توضیح میدهد:

"اعتصاب غذا، انتخاب من نیست. اما در وضعیت زندان، این تنها ابزار زندانی برای شکستن سکوت، ولو در سطح محدود است."

ما شرایط غیر انسانی این عزیزان را که در آن بسر میبرند را درک میکنیم، اما در عین حال بر این باوریم مبارزان باید از سلامت جسمی برخوردار باشند تا با انرژی بیشتری بتوانند مبارزه را به پیش ببرند. شرایط زندان خود موجب تضعیف جسمی میشود، نباید شرایط جسمی را بیشتر تضعیف کرد تا توان مبارزه را پائین بیاورد، چیزی که خواست حاکمان است.

سرانجام بورژوازی تصمیم به محاکمه کارگران و حامیان آنها گرفت و اخبار آنرا نیز منتشر کرد. این محاکمه نه محاکمه کارگران بلکه محاکمه هر اعتراض طبقاتی است. بی مناسبت نیست که «اقدام علیه امنیت ملی» جزو کیفر خواست همگی محاکمه شدگان است. در جامعه سرمایه داری،

اعتراض طبقاتی، اعتراض علیه امنیت سرمایه است و این نیز جرم بزرگی است، چه در سرمایه داری دیکتاتوری و چه در دموکراسی سرمایه داری. بورژوازی محاکمه کارگران و طرفداران آنها را بدست یکی از جنایتکاران بدنام خود، یکی از قصابان اصلی زندانیان سیاسی (یکی از قصابان قتل عام سال ۱۳۶۷)، قاضی مقیسه (ناصریان) سپرد تا زهر چشم حسابی گرفته شود، تا دیگر بفکر اعتراض نیفتد.

۱۲ مرداد ۱۳۹۸ فعالین کارگری و مدافعین کارگری اسماعلی بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان، عسل محمدی، ساناز اله یاری، امیرحسین محمدی فرد، امیرامیر قلی در دادگاه ضد انقلاب تهران و در پشت درهای بسته حضور یافتند تا کیفر خواست سرمایه علیه بردگان مزدی و مدافعان این بردگان اعلام شود. همزمان با محاکمه کارگران، نیروهای امنیتی اطراف دادگاه را عملاً اشغال کرده بودند و مانع از حضور خانواده زندانیان و کسانی که برای حمایت از زندانیان به دادگاه می آمدند، بشوند. علیرغم این محدودیتها عده ای توانستند خودشان را به خیابان دادگاه برسانند که در این رابطه تعدادی توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند.

در روز اول بیدادگاه، کیفرخواست همه زندانیان قرائت شد اما بعداً قاضی مقیسه همه زندانیان بجز بخشی را به بیرون فرستاد و تنها اسماعیل بخشی بعنوان اولین متهم در دادگاه ماند. قاضی مقیسه با برخورد توهین آمیز جو دادگاه را متشنج میکند. قاضی مقیسه خطاب به بخشی می گوید: «شعار نان کار آزادی، شعاری کمونیستی است». در پی درگیری لفظی قاضی مقیسه با اسماعیل بخشی، جلسه دادگاه نیمه کاره رها شده و به روزهای بعدی موکول میشود. روز دوم دادگاه نیز به این شکل برگزار شد. ظاهراً بیدادگاه بورژوازی، در راستای پروسه اهدافش پیش نمیروود و فعلاً از ادامه آن منصرف شده است.

چپ دستگاه سیاسی سرمایه نیز به محاکمه کشیدن فعالین کارگری را تعرض به آزادی بیان، تشکل و اعتصاب بیان میکند و اعتراض طبقاتی را تا سطح اعتراض به دیکتاتوری کاهش میدهد و یکی از کلام رادیکال ترین آنها چنین می نویسد:

"به محاکمه کشیدن فعالین کارگری و سیاسی، تعرض به آزادی بیان و تشکل و اعتصاب است." [۱]

از همه مشمئز کننده تر همبستگی کاغذی اتحادیه ها و سندیکاها کارگری، تحت عنوان همبستگی طبقاتی است. «شبکه سندیکائی جهانی همبستگی و مبارزه» متشکل از ۸۰ سندیکا و اتحادیه، طی نامه ای جنایتکاری چون خامنه ای را رهبر و عالیجناب خطاب میکند و کپی آن را به قصاب زندانیان سیاسی (ابراهیم رئیسی) میفرستد. از جنایتکاران میخواهند که به پیمانهای بین المللی که امضا کرده اند، وفادار بمانند و چنین می نویسند:

" از رژیم ایران می خواهیم که به پیمان های بین المللی که دولت ایران امضا کرده، از جمله حق ایجاد تشکل های مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب، و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد." [۲]

همزنجیران!

این اتحادیه ها و سندیکاها در کشورهای خودشان، خود مجریان سیاستهای ضد کارگری هستند و همبستگی آنها تنها کاغذی است، تبلیغات محض است. ما تنها باید به نیروی طبقاتی خودمان تکیه کنیم، به نیروی طبقه مان در سراسر این کره خاکی. در جدالهای طبقاتی تنها میتوان به نیروی خود متکی شد. این نه محاکمه چند کارگر که در اعتراض به شرایط کاری و معیشتی به زندان افتاده اند بلکه محاکمه اعتراض طبقاتی است. باید محاکمه بورژوازی را به یک کیفر خواست طبقاتی علیه خود بورژوازی تبدیل کرد.

فیروز اکبری

۱۹ مرداد ۱۳۹۸

یادداشتها:

[۱] [http://www.azadi-b.com/J/2019/08/post\\_1173.html](http://www.azadi-b.com/J/2019/08/post_1173.html)

[۲] <http://etehadbinalmelali.com/ak/nameh-3>